

مدنی، داود

روح

تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۴.

۱۱۲ ص:

۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۶۷۶-۷

فیپای مختصر

فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی

است

۳۸۶۵۰۵۸

نویسنده: شرفیاد داود مدنی

ویراستار: معصومه میرخانی

صفحه آرا: الهه ایمنی

طراح جلد: ندا ایمنی

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۶۷۶-۷

ISBN: 978-964-236-676-7

کتابهای مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



[naslenowandish](https://t.me/naslenowandish)

انتشارات نسل نواندیش

<https://telegram.me/naslenowandish>

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱۱

چرا از مرگ می ترسیم؟..... ۱۳

فصل اول

نظایر فلاسفه و دانشمندان درباره‌ی روح..... ۱۷

سئله‌ی روح از نظر قرآن..... ۲۳

نظر دانشمندان عصر حاضر..... ۲۴

ایرادهایی که مانع مایه وجود روح می گیرند..... ۲۶

پاسخ دیگر به بادی ها درباره‌ی روح و جهان پس از مرگ..... ۳۰

فصل دوم

دلایل حسی و تجربی..... ۳۵

بست هیپنوتیزم..... ۳۸

مانیسه تیسم..... ۴۰

رویا..... ۴۸

کلیرویوانت..... ۴۹

زار..... ۵۲

اسپیری تیسم یا علم مخابره با ارواح..... ۵۴

جهان ارواح..... ۵۷

یک پرسش و یک پاسخ..... ۷۶

یک نظریه‌ی دیگر..... ۸۰

فصل سوم

مرگ و مراحل آن..... ۸۵

مراحل مرگ..... ۸۶

- ۹۱..... غیر قابل بیان
- ۹۲..... شنیدن خبر
- ۹۴..... احساس آرامش و راحتی
- ۹۴..... صدا
- ۹۸..... حضور در برابر قبر مردگان
- ۱۰۰..... الکتروماگنتوگرافی
- ۱۰۱..... نیروی پسی چیست؟
- ۱۰۱..... چرا این علم را الکتروماگنتوگرافی می نامند؟
- ۱۰۲..... ۱. آزمایش اول: رنگ حالات مختلف روانی
- ۱۰۳..... ۲. آزمایش دوم: ثبات یا تجزیه ناپذیری این انرژی
- ۱۰۳..... ۳. آزمایش سوم: اجسام بی جان
- ۱۰۴..... ۴. آزمایش چهارم: هک تدریجی
- ۱۰۴..... ۵. آزمایش پنجم: نیروی خشن انسان
- ۱۰۵..... نتیجه
- ۱۰۶..... اصل افزایش آنتروپی
- ۱۰۷..... آنتروپی و معاد
- ۱۱۰..... ۳. اصل بقای انرژی یا اصل بقای عمل
- ۱۱۱..... ۴. علم و امکان احیای مردگان
- ۱۱۲..... ۵. بهشت و دوزخ

درباره‌ی نویسنده

در سال ۱۳۳۹ در خطه سرسبز و همیشه بهار گیلان در شهرستان لاهیجان چشم به جهان گشود. هنوز کودکی بیش نبوده که به علت مشکلات زندگی، خانواده‌اش به تهران مهاجرت کردند. تحصیلات ابتدایی را در تهران و در یکی از مدارس ابتدایی پشت‌سر نهاد و به علت هوش و استعداد ذاتی، وانست هر سال چند کلاس را طی نماید و با موفقیت به دبیرستان راه یافت. در آن زمان از دوران دبیرستان موفق شد در سن ۱۷ سالگی در رشته مهندسی مکانیک وارد دانشگاه علم و صنعت شود.

با شروع نهضت اسلامی مردم ایران، او را همچون دیگر دانشجویان مسلمان به مبارزه بر علیه نظام پوسیده شاهنشاهی برخاست و با شرکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی وظیفه خود را نسبت به این امر مهم به انجام رساند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، او نیز همچون دیگر دانشجویان به کلاس‌های درس برگشت. و با یافتن غلط و حاکمیت گروه‌های سیاسی بر دانشگاه او را همچون دیگر دانشجویان مسلمان، طغیان‌زده و ناچار به ترک درس و شرکت در انقلاب فرستاد. با تعطیلی دانشگاه‌ها جهت انجام خدمت بزرگ‌تر به جامعه به عضویت جهادسازندگی درآمد و مسئولیت پروژه‌های عمرانی سنگین به وی واگذار گردید.

از خصوصیات وی می‌توان از تواضع و فروتنی بیش از حدش نام برد؛ اغلب لب‌خندی بر لب داشت و در عین حال که به مطالعه قرآن و نهج‌البلاغه علاقه نشان می‌داد، دیوان شمس را نیز همیشه به همراه داشت و در تنهایی با صدای بلند اشعار این شاعر عرفانی را زمزمه می‌کرد. همچنین از سال ۱۳۵۸ شروع به جمع‌آوری اطلاعاتی از کتب مختلف علمی و دینی در رابطه با اثبات وجود روح نمود که متأسفانه این کتاب به دلیل شهادتش ناتمام ماند.

با شروع جنگ تحمیلی صدام بر علیه انقلاب اسلامی، او همزمان در جهاد به واسطه سنگین و خطیر خود ادامه می‌داد و طی جنگ بارها از مسئولان تحت امرام به جبهه تقاضای مأموریت می‌کرد، ولی به علت اهمیت کارها بارها از اعزام وی ممانعت به عمل می‌آوردند.

تا این‌که سرانجام برانست با اصرار و پافشاری، رضایت مسئولان را جهت اعزام جلب نماید و در عداوت گسترده و دشمن‌شکن بیت‌المقدس شرکت نماید. عاقبت نیز به آرزوی دیرینه‌اش دست یافت و به دیدار معشوق شتافت و در تاریخ ۳۶۱/۲/۱۱ در ربی‌لای رقبیه به لقاءالله پیوست.

فاطمه رحمانی ملک خلیلی

چرا از مرگ می ترسیم؟

دو گروه از مردم از مرگ می هراسند؛ گروه اول کسانی هستند که مرگ را به نیستی و فناى مطلق تفسیر می کنند و مرگ را نقطه پایانی بر تمام هستی و بودی یک فرد می دانند. این افراد که هیچ اعتقادی به روح و دنیای پس از مرگ ندارند، حتی از نام آن هم می ترسند، از مظاهر آن می گریزند، از رفتن به قبرستان وحشت دارند و همیشه سعی دارند خود را در این دنیای فانی به چیری مأنوس کنند تا بتوانند از معطوف شدن افکارشان بر مرگ و مسئله‌ی روی جلویی بگریزند؛ ولی آن‌ها در اشتباهند. مرگ حق است و جسم انسان، فانی.

دسته‌ی دوم افرادی هستند که نه تنها مرگ را با آن همه چیز نمی دانند، بلکه به وجود روح و دنیای ماوراءالطبیعه نیز سخت عقیده دارند؛ ولی آن قدر پرونده‌ی اعمالشان سیاه و تاریک است که گویا از هر ماکون خود را در میان زبانه‌های آتش جهنم می بینند. موضوع این‌ها درست است؛ آن‌ها محکوم به اعدام است که زمان اجرای حکمش فرا رسیده و از زندان بیرون آورده می شود و به سوی چوبه‌ی دار برده می شود. البته آزادی خوب است، ولی نه آزادی از زندان و رفتن به سوی چوبه‌ی دار.

آن‌ها که نه از این دسته‌اند و نه آن دسته، مگر با مردن چیزی از دست

نمی دهند؟

اگر نظر فلاسفه و دانشمندان را بررسی کنیم، خواهیم دید که در اغلب نظریات این فلاسفه و دانشمندان بویی از ترس از مرگ دیده می‌شود. یکی مرگ را به صورت هیولایی تیره که داسی در دست دارد، مجسم می‌کند. دیگری خواب را خواهر مرگ می‌داند. آن یکی در پی یافتن اکسیر جوانی است. آن دیگری برای یافتن چشمه‌ی حیات و آب زندگانی، جانش را بر سر این کار می‌گذارد.

آن چه تاکنون درباره‌ی مرگ می‌دانیم از روی روایات کتاب‌های دینی، عقاید فیلسوفان، برخی از پزشکان و تحقیقات کوتاه و مبهم بوده است. پزشکان می‌نفتند: «مرگ» پایان است. «علما دین می‌گفتند: «مرگ، آغازی تازه است.» عارفان عقیده داشتند: «مرگ، زندگی حقیقی انسان آغاز می‌شود» و... هیچ کدام از این گروه‌ها با زبان ساده و عامه فهم این مرحله را که شاید جالب‌ترین و مهم‌ترین قسمت زندگی بشر است، بیشتر ناشکافته و مورد بحث قرار نداده‌اند.

امروز نسل جوان هنگام تحویل می‌آورد که نطفه چگونه بسته می‌شود. جنین چگونه پرورش می‌یابد و به دنیای بیرون می‌گذارد، دوران نوجوانی و بلوغ چیست؟ هنگام رشد کامل و بلوغ چه تغییرات روحی و جسمی پدید می‌آید، اما همین که به دسمرگ سپرده شد، تمام ورق‌ها سیاه باقی می‌مانند؛ چرا؟

بحث درباره‌ی مرگ، روح و دنیای پس از مرگ، بحثی بسیار مشکل و پیچیده است؛ زیرا می‌خواهیم درباره‌ی جایی سخن بگوییم که تاکنون کسی از آن جا بازنگشته است.

تا به امروز تنها عالمان دین از بحث درباره‌ی مرگ و جهان پس از آن نرسی نداشته‌اند. امروز دانشمندان و پژوهندگان برای کمک به پا خاسته‌اند

که نمونه‌های مختلف آن را در جوامع امروزی می‌بینیم. از آن جمله تلاش گروهی از دانشمندان، روحانیون، پزشکان، روان‌کاوان و جامعه‌شناسان آمریکایی که در کنار یکدیگر دست به تلاش همه‌جانبه زده‌اند. آن‌ها از میان دانستنی‌های معتبر امروز و آزمون‌هایی که بر صدها بیمار محتضر و مُشرف به مرگ (چه آن‌ها که پس از دوره‌ی بی‌هوشی به جهان بازگشته‌اند و چه آن‌ها که پس از مبارزه‌ای کوتاه یا طولانی سرانجام بدرود حیات گفته‌اند) سلسله اطلاعات و مشهوداتی به عمل آورده‌اند که هم‌اکنون در دانشگاه کنتاکی آمریکا تدریس می‌شود.

از دیگر پیشرفت‌های علمی جالب و تازه که می‌تواند به‌خوبی وجود روح و مرگ را از طریق دستگاه مگنتوگرافی به اثبات علمی برساند، هنر عکس‌برداری به‌وسیله دستگاه عکس‌نگاری به اسم مگنتوگراف است. این هنر ثابت می‌کند (به‌وسیله‌ی گرفتن عکس) که حالات روانی انسان دارای رنگ‌های مختلفی است. رنگ عصبانیت و -تأثیر اندوختن و ترس و بالاخره رنگ‌های مختلف که جسم زنده تا رسیدن به سرخ مرگ از خود نشان می‌دهد، به‌وسیله‌ی همین دستگاه ثابت می‌کند که روح همان چیزی است که به آن «من، ضمیر، شخص، عقل و...» گفته می‌شود. هر دو نوعی انرژی است که روش کار دستگاه و آزمایش‌هایی که با آن انجام شده، در جای خود به‌طور مفصل آورده خواهد شد. سایر تحقیقات علمی در پایان آورده می‌شوند.

در ابتدای بحث، نخست به فلاسفه و دانشمندان درمورد مرگ و روح خواهیم پرداخت. پس از بررسی کوتاهی درخصوص استقلال و بقای روح از نظر فلاسفه و قرآن و ایرادهایی که مادی‌ها به این نظریه‌ها وارد می‌کنند، وارد دلایل حسی و تجربی دال بر وجود روح می‌شویم. سپس مختصری

درباره‌ی جهان ارواح صحبت می‌کنیم و درمورد ارواح نیکوکاران و گناهکاران نیز مطالبی خواهیم داشت. در انتها نیز درمورد مرگ و مراحل آن بحثی کوتاه خواهیم داشت.

امید است تا روزی دانش به ماهیت روح پی برده و به جهان پس از مرگ آگاهی یافته و بتواند این بشر مغرور را از سردرگمی نجات بخشد.

را که منظور حور است مسکن و مأوی

چرا به کوی خراباتیان بود وطنم

به رزمید حوتابوت من روان باشد

گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

برای من مگوی و مگر فراق فراق

که مرا شوق دیدار آن جهان باشد